**بسم الله الرحمن الرحيم**

**السلام علیک یا علی ابن موسی الرضا**

سلام بر تو اى امام هشتم، اى فرزند پيامبر و على، اى پاره تن فاطمه اى جگر گوشه حضرت موسى بن جعفر، و اى امامى كه هر لحظه دل هاى ما به شوق ديدار حرم مطهّرت مى تپد، سلام بر تو اى على بن موسى الرضا، و سلام بر پدارن بزرگوارت و فرزندان پاك و معصومت
فرارسيدن سی ام ماه صفره سالروز شهادت هشتمين امام معصوم، خورشيد فروزان خراسان، مايه بركت و افتخار كشور ايران، محبوب دلهاى شيعيان، حضرت ابى الحسن على بن موسى الرضا عليه السلام را به همه مسلمانان جهان بالأخصّ شيعيان تسلیت مى گوييم. و ذيلا خلاصه اى در شرح زندگانى آن حضرت مى آوريم.



مرحوم مجلسى در مجلّد 49/9 بحار الانوار نقل مى كند از خانمى كه مى گويد: شنيدم از نجمه كه مى فرمود: وقتى به فرزندم على باردار شدم

سنگينى حمل را احساس نمى كردم، و وقتى در خواب بودم از داخل شكم خود صداى تسبيح و تهليل و تمجيد خداوند را مى شنيدم، و اين باعث خوف و هراس من شده بود، وقتى كه بيدار مى شدم صدايى نمى شنيدم، زمانى كه رضا به دنيا آمد دست خود را بر زمين گذاشت و سر به اسمان بلند كرد، و لبهاى مبارك خود را حركت مى داد، گويا حرف مى زد، در اين هنگام پدر او موسى بن جعفر (عليه السلام) بر من وارد شد و فرمود: مبارك باد بر تو اى نجمه لطف و كرامت پروردگارت، و سپس فرزندم على را در پارچه اى سفيد پوشاند و در گوش راست او اذان، و در گوش چپ او اقامه گفت، پس از آن آب فرات خواست و كام او را با آب فرات باز كرد و بعد او را به من برگرداند و فرمود: او را بگير كه او بقّية الله در زمين خدا است.

**ولادت:**

حضرت امام رضا عليه السلام شب جمعه يازدهم ذى القعده در سال 148 هجرى در مدينه طيّبه به دنيا آمد، پدر بزرگوار آن حضرت امام هفتم موسى بن جعفر عليه السلام بود و مادر آن حضرت خانمى بود به نام امّ البنين يا تكتم يا نجمه كه هر سه اسم در تاريخ آمده است.
اين بانوى بزرگوار زنى با فضيلت بود كه خدا او را شايسته همسرى حضرت امام موسى بن جعفر عليه السلام و مادرى امام رضا عليه السلام قرار داده بود.
مرحوم علاّمه مجلسى رحمه الله در جلد 49/7 بحار الانوار نقل مى كند كه نجمه مادر حضرت رضا عليه السلام كنيزى بود كه حميده مادر حضرت موسى بن جعفر عليه السلام او را خريد، حميده مى گويد: حضرت رسول الله (صلى الله عليه وآله) را در خواب ديدم كه به من فرمود: اى حميده، اين نجمه براى فرزند تو موسى است، كه به زودى بهترين اهل زمين از او به دنيا خواهد آمد، پس من نجمه را به موسى بن جعفر بخشيدم، وقتى كه رضا به دنيا آمد نجمه را طاهره نام نهاد، و اين خانم بزرگوار اسامى مختلفى داشت كه از آنهاست: نجمه، سكن، سمان و تكتم.مرحوم مجلسى نقل مى كند كه حضرت رضا عليه السلام در دوران شيرخوارگى كودكى درشت بود، و از اين جهت زياد شير مى خورد، حضرت نجمه گفت: براى شير دادن به اين بچه مرضعه اى بگيريد تا به من كمك كند، از او پرسيدند: آيا شير تو كم شده؟ گفت: نه لكن من ذكر و نماز و تسبيحى داشتم كه از زمان تولّد اين كودك كمتر مى توانم به آنها برسم.

هرگز نزد كسى پاى خود را دراز نمى كرد، و تكيه هم نمى زد، و هرگز نديدم سخن درشتى به خادمان خود بگويد، هرگز نديدم كه آب دهان بر زمين بياندازد. و همين طور نديدم كه با صداى قهقهه بخندد بلكه تبسم مى كرد.
زمانى كه به اندرون خانه مى رفت و سفره مى انداختند تمام خدمتگزاران حتى دربان را بر آن مى نشانيد. آن حضرت شبها را بيشتر بيدار بود و كمتر مى خوابيد. بيشتر شبها را تا صبح بيدار بود، روزه بسيار مى گرفت، هرگز سه روز روزه در ماه از آن حضرت ترك نمى شد، آن حضرت در پنهانى نيكى و تصدق بر فقرا بسيار داشت، و بيشتر آن در شبهاى تاريك بود، بنابر اين هر كس ادّعا كند كه مانند او را در فضل ديده است او را راستگو مپنداريد.
ج، و مرحوم كلينى در كافى 4 / 23 نقل مى كند كه شخصى از اهل بلخ كه در سفر حضرت رضا (عليه السلام) از مدينه به خراسان همراه آن بزرگوار بوده مى گويد: روزى در بين راه سفره غذا گستردند، آن بزرگوار تمام خادمان و غلامان از سفيد و سياه را بر سر سفره جمع كرد، من گفتم: فداى شما شوم، بهتر بود كه براى اينان سفره اى جداگانه مى انداختند! آن حضرت فرمود: تند مرو، همانا خداى ما يكى است، مادر و پدر همه يكى است، و پاداش به اعمال است.

کمیته مذهبی

**فضائل و مناقب امام رضا(عليه السلام)**

الف: محروم مجلسى از كتاب عيون اخبار الرضا(عليه السلام) نوشته مرحوم صدوق نقل مى كند كه: حضرت رضا عليه السلام هميشه تابستان ها بر روى حصير مى نشست، و زمستان بر روى پلاس «گليم» و لباس تن آن حضرت لباس درشت و نا مرغوب بود، مگر زمانى كه با مردم ملاقات داشت كه در آن هنگام با لباس مرغوب نزد آنان مى آمد. ب: و هم ايشان نقل مى كند از شخصى به نام ابراهيم بن عبّاس كه مى گويد: هرگز نديدم از امام رضا عليه السلام چيزى را بپرسند كه آن حضرت نداند، و عالم تر از او نسبت به زمان خودش نديدم، و مأمون همواره آن حضرت را با سؤال هاى مختلف امتحان مى كرد و آن بزرگوار جواب مى فرمود، در عين اينكه جوابهاى آن حضرت برگرفته از قرآن بود، قرآن را در هر سه روز يك بار ختم مى كرد، و مى فرمود: اگر بخواهم كمتر از سه روز يك ختم قرآن بخوانم مى توانم. لكن به هيچ آيه اى مرور نمى كنم مگر آنكه در آن فكر مى كنم و اينكه چه وقت و درباره چه چيز نازل شده است. لذا قرآن را در سه روز ختم مى كنم. و در همين كتاب از شخص فوق الذكر نقل فرموده كه: هرگز نديدم حضرت رضا عليه السلام كسى را با سخن خويش بيازارد و نديدم هرگز سخن كسى را قطع كند، ومى گذاشت تا حرف او تمام شود، هرگز حاجت كسى را در صورتى كه قدرت برآوردن آن را داشت رد نمى كرد،

**اسامى و القاب**

نام آن حضرت «على» بود كه اين نام در ميان دودمان رسول خدا محبوب ترين نام بود، و نشانه آن ناميدن حضرت امام حسين عليه السلام چند تن از فرزندان خويش را به اين نام است.
كنيه آن حضرت أبوالحسن، و أبوعلى بود.
بعض القاب آن بزرگوار عبارت است از: سراج الله، نور الهدى، قرّة عين المؤمنين، رضا، رضىّ، فاضل، صابر، وفىّ، صديق. كه معانى اين القاب عبارت است از: چراغ پروردگار، نور هدايت و راهنمايى، نور چشم مؤمنان، راضى به رضاى خداوند، بخشنده، بردبار، با وفا، دوست. و همچنين پيامبر خدا(ص) او را عالِم آل محمّد(ص) ناميد.

